



ژېډېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شکیل احمد
پرنسپل جامعہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ

جشن نوروز در پاکستان و هند

جشن نوروز که از اعیاد باستانی ایران و از نخستین دوران تاریخی مورد علاقه شاهان و همگان این مرز و بوم بوده است قاعدتاً باید از قدیم‌الایام در تمام سرزمینهای ضمیمه شده بآن و در بین کلیه اقوام و ملل خاور میانه که در ظرف قرون و اعصار با ایرانیان محشور و مربوط بودند معمول و مرسوم شده باشد. بویژه در تا کسبیل سایر شهرهای دره‌سند که در اغلب ادوار تاریخی خود با ایران هم‌سرنوشت و جزو خاک این کشور محسوب بود، آشنائی مردم با جشن مزبور امری بسیار طبیعی و عادی بنظر می‌رسد و با اینکه چنین

قسم

حیدر شهباز نقوی

(دکتر در ادبیات فارسی)

استادیار دانشکده ادبیات و علوم
انسانی دانشگاه اصفهان

ادعائی مستلزم تحقیقات دامنه داری در زمینه فرهنگ قدیم در نواحی مذکور میباشد ولی از ظواهر امر چنین برمیآید که جشن نوروز در پاکستان غربی ریشه بس کهنسال و سوابق درازی دارد.

شبه قاره دارای سه فصل است: جارا، گرمی، برسات. یعنی زمستان، تابستان و فصل باران. هر کدام از اینها چهارماه طول میکشد. در بین اینها فصل بهار که در ایران پس از زمستان میآید وجود ندارد و بجای آن موسم برسات که در ادبیات فارسی بنام برشکال معروف است و بعد از تابستان میآید در هندوستان فصل سبزی و خرمی و شادابی است، طبیعت در آن زمان در آنجا میشکفتد، هوای لطیف و ملایم میوزد، چشمه سارها و آبشارها، کوه و دمن را آذین بندی میکنند، در صحرا و چمنزارها فرشهای زهردین گسترده میشود، پرندگان خوش نوا چون کویل و پیهسا به نغمه سرائی و طاووسان خوش سیما به رقص و دلربائی میپردازند و درختان سبز قباوشکوفهها و گلهای عطرزا جان و روان صاحبان را بوجد می آورند. ادبیات سانسکریت و زبانهای محلی آن دیارها مشحون از منظوماتیست که در باب چنین فصل کیف و نشاط و سرور و انبساط گفته شده است.

تقریباً در حدود اوایل فروردین که مصادف با ماه «ماگه» هندوان است جشن «بسنت» در بین هندوان برگزار میشود و بابودن آن که در واقع مساوی هست با جشن بهار و نوروز جائی برای جشن خارجی وجود نداشت.

فصل بهار ایرانی که در ادبیات فارسی هندوستان و زبان اردو داخل و با شغف و شور عجیبی توصیف شده کاملاً زائیده تقلید از شاعران ایرانی است و همچنین عید نوروز که قرنهای هندوپاکستان اهمیت بسزائی داشته و در بعضی از محافل و نواحی هنوز هم در آنجا برگزار میشود توسط ایرانیان به آن ممالک برده و در آن سرزمینها رواج داده شده است.

جشنهای سده و مهرگان از طرف سلاطین غزنوی که در لاهور حکومت

داشتند بر گزار میشد و جشنهای آبپاشان و نوروز در دربارهای سلاطین دهلی و پادشاهان تیموری با اهتمام فراوان و عظمت خاصی بر گزار می گردید.

جشن آبپاشان که جشن ترکان و عید گلابی نیز نامیده میشد تا زمان اورنگ زیب در دربار دهلی انعقاد مییافت و ذکر آن در «عالمگیرنامه» در صفحه ۶۲۳ بمیان آمده است.

نورالدین جهانگیر پادشاه هندوستان در توزک خود در ضمن نهمین سال جلوس چنین مینویسد: «مجلس گلابپاشی که از زمان قدیم به آبپاشی مشهور است و از رسوم مقررۀ پیشینیان است منعقد گشت.»

در کتاب «عمل صالح» موسوم به «شاهجهان نامه» اثر محمد صالح گنبوه- لاهوری (جلد اول چاپ کلکته ص ۳۷۴) در مورد انعقاد این جشن مطالب زیر بچشم میخورد:

« از سوانح این ایام ترتیب یافتن عید گلابی است برسم معهود این دولتخانه جاوید چنانچه هر ساله در روز تیر از ماه تیر که نخستین روز است در موسم برسات هند این جشن فرخنده بآئین بادشاهانه تزیین مییابد و آنرا بپارسی عید ترکان میگویند و ملوک عجم نیز از عهد قدیم باز پیوسته این روز را عید گرفتندی. مجملآ بآئین معهود شاهزاده های والا قدر و امرای رفیع مقدار صراحیهای مرصع بنوادر جواهر و سایر بندها، صراحیهای میناکار و زرین و سیمین از گلاب ناب سرشار ساخته گذرانیدند...»

در «بادشاهنامه» تألیف عبدالحمید لاهوری چاپ کلکته جلد اول ص ۲۰۴ درباره این جشن چنین نوشته است^۱: «روز دوشنبه سلخ شوال که روز تیر از ماه تیر بود جشن عید گلابی انعقاد یافت پادشاه زاده های کامگار و یمین الدوله صراحیهای مرصع و دیگر نوئینان نامدار صراحیهای میناکار و زرین و سیمین پراز گلاب و عرق فتنه و عرق بهار از نظر مقدس گذرانیدند..»

۱- نقل از تمدنی جلوی چاپ اعظم گره صفحه ۴۷۱

جشن نوروز از آغاز سلطنت اسلامی در هند و پاکستان در بین تمام اعیاد سلطنتی و جشنهای درباری اهمیت فراوانی کسب نمود و با اهتمام و احتشام خاصی بر گزار میگردید امیر خسرو دهلوی در مثنوی «قران السعدین» انعقاد جشن نوروز را در زمان سلطنت معزالدین کیقباد (۶۸۹-۶۸۶ هـ) چنین شرح داده است:

«صفت موسم نوروز و طرب کردن شاه بزم دریا و کف دست چو ابر نیسان

رفت چو خورشید به برج حمل	نور شرف کرد به گیتی عمل
دور جهان روز نو از سر گرفت	موسم نوروز جهان در گرفت
شاه در آن روز هم از بامداد	قصر فلک مرتبه را تاب داد
کنگره قصر طرف بر طرف	تا بحمل رفته شرف بر شرف
صفه نه طاق پیار استند	پرده زربفت فلک خواستند
تخت زدند و ترق آویختند	عرش دگر بر زمین انگیختند
چتر ز هر سو به فلک سر کشید	ابر سر از شرم به چادر کشید
پنج طرف چتر چو مهر سپهر	شش جهت آراسته زان پنج مهر
همچو گل و سنبل و سوری و بید	لعل و سیه گلگزو سبز و سپید

در دنباله این چترهای همه رنگ علیحده علیحده توصیف شده و در دوازده صفحه این مثنوی در بیان کیفیت برگزاری جشن ادامه دارد و از همه این مطالب عظمت این جشن بخوبی آشکار است.

شعر زیر از بابر مؤسس سلطنت بابریان در هندوستان گوینده علاقه او به نوروز است.

نوروز و نوبهاری و دلبری خوش است بابر بعیش کوش که عالم دوباره نیست
بگواهی آثار مورخین نامدار دوره سلطنت جلال الدین اکبر مانند
شیخ ابوالفضل صاحب اکبر نامه و آئین اکبری و ملا عبدالقادر بدیوانی
صاحب منتخب التواریخ و امثال اینها جشن نوروز در دربار سلاطین مغول
بابری کمال اهمیت را داشت و بانهایت علاقه و باشکوه زایدالوصفی بر گزار

میشد، بقول صاحب اکبر نامه (جلد ۲ ص ۱۳ چاپ کلکته) اکبر شاه که بسال ۹۹۲ هـ - تقویم اسلامی را منسوح و تقویم خورشیدی ایرانیان را بجای آن رواج داده بود جشنهای پارسیان را طبق منشور زیر در قلمرو پهناورش مقرر ساخت :

« چون دانشوران ملل و نحل بجهت شکر گزاری و سپاسداری از شهور و سنین روزی چند را بمناسبات فلکی و مرابطسات روحانی بجهت سرور جمهور خلایق و خوشحالی طوایف انام که باعث چندین خیرات و مبرات است اختیار فرموده اعیاد نام نهاده اند و در آن ایام مسرت پیرا اساس سپاس را محکم ساخته در ادای مراسم خضوع و خشوع بجناب کبریای الهی که خلاصه عبادات و زبده طاعات است مساعی جمیله بتقدیم رسانیده غنی و فقیر و صغیر و کبیر بقدر قدرت فایده تفضل و احسان گشاده ابواب عشرت و کاهرانی را برخواطر مکروبه و بواطن مجزونه اخوان زمان و ابنای روزگار گشوده انواع بر و احسان نموده اند. بنا بر آن بعضی جشنهای عالی که تفصیل آن از ذیل این منشور فیاض النور بوضوح خواهد پیوست و از چندین هزار سال در بلاد مشهور و معروف است، رسماً در این هزار سال معمول سلاطین عداالت گستر و حکمای حقایق آئین بوده است و در این زمان بواسطه بعضی امور از شیوع افتاده بود بجهت ابتغای مرضیات الهی و اقتضای آثار قدما آن ایام مسرت - فرجام رایج ساختیم. باید که در جمیع ممالک محروسه از امصار و بلاد و قری بوجه اتم و طریق احسن رایج گردانند و در این معنی کمال اهتمام مبذول داشته دقیقه ای نامرعی نگذارند. تفصیل اعیاد نوروز:

۱۹۵ فروردینماه الهی	۳ اردیبهشت الهی	۶ خرداد ماه الهی
۱۳ تیر ماه الهی	۷ مرداد ماه الهی	۴ شهریور ماه الهی
۱۶ مهر ماه الهی	۱۰ آبان ماه الهی	۹ آذر ماه الهی

هشتم و پانزدهم و بیست و سوم دیمه الهی، دوم بهمن ماه الهی، و پنجم اسفند ماه الهی»

خواجه نظام‌الدین احمد بن محمد مقیم هروی در طبقات اکبری (چاپ انجمن آسیائی بنگال کلکته جلد دوم صفحه ۳۶۴/۵) در ذکر وقایع سال بیست و هشتم الهی بر گزارای جشن نوروز را در دربار اکبری چنین تعریف کرده است:

« ابتدای این سال روز سه‌شنبه بیست و هفتم صفر سنه احدی و تسعین و تسعمه بود، در نوروز امسال دیوار ستون ایوانها و دولتخانه عام و دولتخانه خاص را با امر تقسیم نموده و در قماشها و پرده‌های مصور گرفته کمال زینت داده بنوعی آراستند که نظار گیان را از مشاهده آن، حیرت بر حیرت میافزود و صحن بارگاه دولتخانه را بشامیانه‌ها زری دوزی و زربفت و غیره ترتیب داده تخت از طلا و مرصع بیاقوت و لآلی در آن نهاده رشک فردوس برین ساختند.»

صفه نه طاق پیاراستند پرده زربفت فلك ساختند
تخت زدند و تتق آویختند عرش دگر بر زمین انگیختند

مدت هژده روز این منازل دلگشا آراسته بود شبها به فانوس‌های رنگی می‌آراستند و بندگان حضرت هر روز و شب یکبار، دو بار تشریف فرموده صحبت میداشتند و اهل نغمه فارس و هندوی در ملازمت میبودند، بهریک از امرا و اهل خدمت عنایات خسروانه بظهور میرسید. و بازار شهر فتحپور و آگرا را آئین بندی می نمودند و خلائق اطراف و جوانب بتفریح و تماشای این جشن عالی که هرگز ندیده و نشنیده بودند می آمدند و در هفته‌ای یکروز حکم عموم میشد و دیگر ایام امرا و مقربان و مردم اعیان آمد و شد میداشتند

«حضرت در روز نوروز بر تخت سلطنت جلوس فرمودند و امرا و ارباب دولت صف‌ها زده بترتیب مرتبه و حالت ایستادند و روز شرف که آخرین

ایام نوروز است نیز همین دستور مجلس عالی ترتیب یافت و جمیع امرا بمراحم پادشاهی مباحی گشتند. بعضی بمنایات اسب و خلعت و بعضی به زیادتی علوفه و بعضی بزیداتی نوکر و جمعی بیافتن جاگیر و هیچکس نماند که در این هژده روز مورد مراحم خسروانه نشده باشد و امرای کبار پیشکش های لایق گذرانیدند و در این هژده روز حضرت دردیوان یکی از امرای کبارتشریف آورده صحبت میداشتند و در آن روز لوازم مهمانی و صحبت را آنکس متکفل می بود و پیشکش بسیار از پارچه هندوستان و خراسان و عراق و مروارید و لعل و یاقوت و طلا آلات و اسبان عربی و عراقی و پیلان کوه پیکر و قطارهای شتر نر و ماده و اشتران راهوار بردعی میگذرانیدند، و در ایام نوروز شاهم-خان جلایر از صوبه بنگاله و راجا بهگوان داس از لاهور آمده بشرف عتبه بوسی مشرف گشتند و چنین مقرر شد که در هر سال در ایام نوروز مجلس نوروزی بطریقی که مذکور شد منعقد شده باشد.

مطابق بیان ابوالفضل علامی که در آئین اکبری (جلد اول آئین شماره ۲۲) مرقوم داشته بر گزاری جشن نوروز در زمان اکبر-۱۹ روز طول میکشید و در آن ایام بقدری زیاد با آئین بندی و تزئینات و چراغانی میپرداختند که مردم با دیدن آن از فرط مسرت نعره میزدند در آغاز هر پهر نقاره ها بصدا درمی آمدند. آواز خوانها و خنیاگران از هنر خویش مردم را محظوظ میساختند. تمام شبها چراغانی ادامه داشت و در روز قبل از جشن و در آخرین روز آن صدقه ها داده و هدیه ها رد و بدل میشد.

ابوالفضل باز هم در اکبر نامه (ج ۳ ص ۳۷۹) می نویسد که در جشن نوروزی که در بیست و هفتمین سال جلوس اکبر شاه برگزار شد از طرف دربار احکام تعمیر کاروانسراها و بیمارستانها صادر گردید، شکار پرندگان کوچک و ازدواج دختران کمتر از دوازده سال قدغن شد. سزای مرگ برای کسی بدون حکم شاهی ممنوع گردید و انجام کارهای عام المنفعه زیاد در نظر گرفته شد.

شاهنشاه نورالدین جهانگیر پسر اکبر شاه مطالب بسیار جالبی دربارهٔ برگزاری جشن نوروز که در هر سال در دربار او صورت میگرفت در تألیف ذیقیمت فارسی خود بنام «توزک جهانگیری» مرقوم داشته است.

او که در لاهور بخاک سپرده شد ۲۲ سال (از ۱۰۰۴ الی ۱۰۲۶ هـ) بر قلمرو وسیع هند و پاکستان حکمران بود و در ظرف تمام این مدت مانند زمان پدرش هر سال از اول فروردین ماه تا هیجدهم آن برج جشن نوروز ادامه میداشت و روز نوزدهم با برگزاری «جشن شرف» پایان می‌پذیرفت.

توزک جهانگیری بمناسبت مدت سلطنت جهانگیر به ۲۲ بخش تقسیم شده است و هر بخش که جشن نوروز نام دارد و حاوی وقایع مهم سال مسربوط میباشد با شرح جریان انعقاد جشن نوروز و جشن شرف آغاز میگردد، بطور نمونه در اینجا عبارتی از بخش اول آن بعنوان «جشن اولین نوروز» بمنظور فراهمی اطلاعات پیرامون برگزاری جشن مزبور در دربار مشارالیه نقل میشود:

« شب سه‌شنبه یازدهم ذیقعدة هزار و چهارده صبح که محل فیضان نور است حضرت نیر اعظم از برج حوت بخانه شرف و خوشحالی خود که به برج حمل باشد انتقال فرمود، چون اولین نوروز از جلوس همایون بود فرمودم که ایوانهای دولتخانه خاص و عام بدستور زمان والد بزرگوارم در اقمشه گرفته آئینی در غایت زیب و زینت بستند و از روز اول نوروز تا نوزدهم درجه حمل که روز شرف است خلایق داد، عیش و کامرانی دادند. اهل ساز و نغمه از هر طایفه و هر جماعت بودند لولیان رقاص و دلبران هند که بر کمرش دل از فرشته می‌ربودند هنگامه مجلس را گرم داشتند فرمودم هر کس از مکيفات و مغیرات آنچه میخواسته باشد بخورد و منع و مانعی نباشد. ساقی بنور باده بر افروز جام ما هطرب بگو که کار جهان شد بکام ما در ایام پدرم در این هفته هژده روزه مقرر بود که هر روز یکی از امرای کلان

مجلس آراسته پیشکش‌های نادر از اقسام جواهر و مرصع آلات و اقمشه نفیسه و فیلان و اسبان سامان نموده آن حضرت را تکلیف آمدن بمجالس خود می‌نمود و ایشان بنا بر سرافرازی بندگان خود بدان مجلس قدم رنجه داشته حاضر میشدند و پیشکشها را ملاحظه فرموده آنچه خوش می‌آمد برداشته تتمه را بصاحب مجلس می‌بخشیدند چون خاطر مایل رفاهیت و آسودگی سپاهی و رعیت بود در این سال پیشکشها را معاف فرمودم مگر قلیلی از چندی نزدیکان بنا بر رعایت خاطر آنها درجه قبول یافت. در همین روزها بسیاری از بندگان بزیادتی منصب سرافرازی یافتند.»

در ابتدای تمام بخشهای کتاب توزک جهانگیری شرح نسبتاً مفصلی از انعقاد جشن نوروز سال مربوط داده شده و جریان آن تا نوزده روز برشته تحریر در آمده است.

نمونه دیگری از نحوه برگزاری جشن مزبور بزبان خود جهانگیر بیان میداریم :

(جشن پنجمین نوروز) «روزیکشنبه بیست و چهارم ذی حجه بعد از دوپهر (ظهر) و سه گهری (گهری = ۲۴ دقیقه) حضرت نیراعظم به برج حمل که خانه شرف و سعادت است تحویل نموده و این ساعت فیض بخش در مقام پاک‌بهل که از مواضع پر گنه باری بوده باشد مجلس نوروز ترتیب داده به سنت پدر بزرگوارم بر تخت جلوس نمودم صباح آنکه روز نوروز عالم افروز بود مطابق غره فروردین ماه سنه پنجم جلوس در همین مقام بارعام داده جمیع امراء و بنده‌های در گاه به سعادت کورنش تسلیم مبارکباد سرفراز گشته پیش کشی بعضی امراء از نظر گذشت. خان اعظم یکدانه مروارید که بچهار هزار روپیه قیمت شده بود گذرانید و پسران صدر جهان بیست و هشت دست جانور شکاری از مازو جره و دیگر تحف بنظر گذرانیده، مهابت خان دو صندوقچه کارفرنگ که اطراف آنرا بتخته‌های بلور ترتیب داده بودند چنانچه هر چه در درون آنها نهاده میشد

از بیرون بنوعی مینمود که گویا هیچ مالی نیست پیشکش نموده، کشورخان بیست و دو زنجیر فیل از نروماده پیشکش گذرانید، روز دیگر نوروز بقصد شکار شیر سوار شدم سه شیر دوبر و یکی ماده شکار شد . . .

مراسم باشکوه جشن نوروزی را که در یازدهمین سال جلوس جهانگیر برگزار شد وی در توزک خود با تفصیلات زیادی بیان داشته و جریان هر روزی از نوزده روز جشن را نگاشته است :

نورجهان ملکه نورالدین جهانگیر که ایرانی بود جشن نوروز را در قصر خود با اهتمام وصف ناپذیری برگزار میکرد منجمین دربار رنگی را که بنوروز هر سال مربوط بود باو میگفتند و او مقرر میداشت دیوارهای منزلش را بهمان رنگ نقاشی کنند. رنگ فرشها و پرده ها و لباس تمام بیگمات و کنیزها نیز بهمان رنگ مطابقت داشت .

پوشش فیلان و اسبان و شتران و جانوران اهلی دیگر نیز بهمان رنگ بود حتی مخمل و اطلس هم که در تزئینات در دیوار کاخهای زنان قصر بکار برده میشد همان رنگ مخصوص سال را داشت در یک موقع خاصی جهانگیر در قصر وارد میشد و همراه نورجهان در شه نشینی جلوس میکرد، در آنوقت از نقارخانه صدای شهنائی و نوبت بلند میشد فقرا دم در قصر جمع میشدند و با آنها صدقه داده میشد. سپس نورجهان و جهانگیر باهم به بالاخانه میآمدند و فیلان و اسبان و شتران و نظایمیان از مقابل آنها بانسان دادن هنرهای خویش میگذاشتند در دنبال آنها مصنوعات صنعتکاران بنمایش گذارده میشد. در آخر از طرف نورجهان مردم در نواحی مختلف شهر اطعام میشدند (سید محمد علی اشهری در کتاب «نورجهان بیگم کی سوانح عمری»، که به اردو نوشته مطالب جالبی پیرامون برگزاری جشن نوروز بوسیله نورجهان بیان داشته است).

شاهجهان پسر جهانگیر با ذوق ترین شخصی در بین تمام افراد خانواده سلاطین بابر می رود او همان کسی است که زیباترین ساختمان جهان

تاج محل را از خود بیادگار گذاشت و ابنیه متعدد با عظمت تاریخی چون مسجد جامع دهلی و قلعه دهلی و غیره را ساخت .
برگزاری جشن نوروز در دربار چنین شاهنشاه باذوقی با بهت و شکوه بیشتری صورت می گرفت :

شاهجهان در سال ۱۰۴۴ هـ - برای جلوس بر تخت معروف بنام تخت طاووس که با خرج ۱۰ میلیون روپیه آنوقت ساخته شده بود روز نوروز را انتخاب کرد. شعرای دربار در آن روز قصایدی نوشتند. ابوطالب حکیم نیز قصیده‌ای سرود و هموزن خود پول گرفت و آن ۵۵۰۰ روپیه شد . محمدجان قدسی در سال ۱۰۴۲ هـ. در جشن نوروز قصیده‌ای گفت و شاهجهان آنرا خیلی پسندید و امر کرد تا هفت بار دهانش را با جواهرات پر کنند. محمدجان قدسی در سال ۱۰۴۵ هـ. در جشن نوروز قصیده‌ای گفت و از طرف شاهجهان باو هموزن پول بخشیده شد. در جشن نوروز سال ۱۰۴۶ هـ . باقیانائنی شاعر دربار شاهجهان قصیده‌ای گفت و مانند قدسی و حکیم هموزن خود پول گرفت که جمعاً ۵۰۰۰ روپیه شد . ملاعبید الحمید لاهوری مؤلف باد شاهنامه (جلد اول صفحه ۱۸۶ چاپ کلکته) اولین جشن نوروز در زمان سلطنت شاهجهان را زیر عنوان جشن مسرت افزای نوروز عالم آراء چنین بیان نموده است :

«... دید به قدوم بهجت لزوم نوروز جهان افروز جهانیان را نوید عشرت جدید رسانید و طنطنه مقدم فیض توأم بهار نشاط آثار زمانیان را مرثه عیش جاوید از رسیدن کو کبه شاه رنگین کلاه گل اشجار پژمرده خلعت خرمی و شادابی پوشید و روزگار خزان دیده چمن مهرگان رسیده بر زمردین بساط سبزه باده شکفتگی و سیرابی در کشید بلبل نغمه سرابلحن باربدی غمزدگان خزان را نشاط تازه بخشید و صلصل جادونوا بصوت زهروی افسردگان مهرگان را انبساط بی اندازه. ابر کوهربار سایبان فیض بر روی صحن گلشن برافراخت . رعد خروشنده کوس عروسی گل بر بام فلک می نوازد یا صور رستخیز است که با حیای اموات نبات می پردازد .

روز دوشنبه دوازدهم رجب هزاروسی و هفتم جلالی سرمایه نور و ضیای آسمانیان پیرایه فروبهای زمینیان، جمشید زرین کلاه، خورشید عالم آرا کیخسرو آسمان گاه، آفتاب ظلمت زدارایات عدالت و اعتدال والویه شوکت و جلال بشرف خانه خویش برافراشت، باد سبک پابفراشی بساط عالم را رفت و روب تازه داد و ابرچابک دست بسقائی بسط زمین را آب و تاب بی اندازه روی کوه هامون چون انکلیون بگونههای رنگارنگ نگارین شد و رخسار باغ و راغ چون بوقلمون برنگهای گوناگون نمودار بهشت برین شمال روح پرور از ریاحین روح گستر عنبرتر بداهن و آستین کشید و از بوی بهار چون زلف یار و طبله عطار مشک بیز و عنبر ریز گردید، عرصه زمین راسمن و یاسمین چون آسمان پرزهره پروین ساخت، صحن بوستان از سبزه زهردین رنگ در فیروزه چرخ برین انداخت. گل جلوه کنان و عشوه گران نقاب از رخ بر انداخت و بلبل شیدا کاشانه دل را از متاع شکیبائی برداخت.

(نظم)

جهان شد تازه از باد بهاران	زمین را آبرو افزود باران
خور و خرم نهاد خرمی دوست	بگلها بردرید از خرمی پوست
گل از گل تخت کاووسی بر آورد	بنفشه پر طاووسی بر آورد
زهر شاخ شکفته نو بهاری	گرفته هر گلی بر کف نثاری

در این اوقات فرخنده سمات که از اعتدال هوا دلها از غم و ابرداخته بود و خاطرها با خرمی در ساختسه باهتمام پیشکاران کار گاه دولت و کار گزاران کارخانه سلطنت در صحن دولتخانه خاص و عام سایه بانی موسوم به دل بادل که مانند عرش بلند مکان است و چون آسمان فراخ داهان برافراخته سپهری دیگر بر روی چرخ برین کشیدند و در ته آن اسپکی از مخمل زربفت و بردور آن شامیانه ها هم از این جنس به ستونهای طلا و نقره برپا کردند و فرشهای رنگارنگ و بساطهای گوناگون گسترده در و دیوار دولتخانه خاص و عام را

بمخمل زربفت پرده‌های فرنگی و دیباهای رومی و چینی و زربفت‌های گجراتی و ایرانی آرایش دادند مجلسی روی کار آمد که عقل دشوار پسندان جهان گرد را بحیرت انداخت.

بیت :

زده خیمه‌های بریشم طناب	دروفرش زربفت بیش از حساب
همه پرده‌ها دیبۀ شوشتری	همه فرشها سندس و عبقری
چنان نقشها کرده بروی نگار	که نقاش چین گشته زوشرمسار

خدایو عالم ، خداوند بنی آدم ، طراز کسوت جهانبانی مظهر رحمت یزدانی که پیش همت خورشید آثارش کنج شایگان مانند احجار بی مقدار است و دقایق معادن و خزاین بحار چون خاک و آب بی اعتبار بر اورنگ جهانبانی که سدرۀ آمال و امانی است و طوبای افضال و کامرانی با فرآسمانی و شأن سلیمانی جلوس میمنت ما نوس فرموده بر روی زمانیان اسباب نشاط و ابواب انبساط آماده و گشاده گردانیدند ، نسایم عدل دماغ روزگار عطر- آمود گردانید و روایح بذل مشام زمانه بخوراند و دو آفتاب پرو نوال کوه و صحرا را منور ساخت و ابر احسان و افضال خارستان و گلستان را تازه تر.

سریر مملکت اکنون کند سرافرازی	که سایه بر سرش افکنده خسرو غازی
فلک کلاه غرور این زمان نهد از سر	که هست افر شه بر سر سرافرازی
خطاب خسرو انجم کنون بگردانند	که مضلعت نبود خسرو بانبازی

غریب کوس و کرنا و صدای نفیر و سرنا آوای مسرت در زمسان و زمین انداخت و طنطنۀ دعای اصحاب عمایم و استحقاق و زمزمۀ ثنای سخن طرازان نظم و نثر و لوله در چرخ برین ، دراری برج دولت در درج حشمت چار- پادشاهزاده والا گوهر که چار عنصر شخص دولت اندوارکان اربعه کعبه سلطنت در چار گوشه تخت سلیمانی با فرساطانی قرار گرفتند و درپای سریر خلافت سرآمد ارکان مملکت سردفتر اعیان دولت یمین الدوله اصفخان استاده سر

اعتبار برافراخت و دیگر ارکان دولت و اعیان سلطنت و سایر ارباب مناصب درخور نسبت و منزلت ایستادند و مجمع مفاخر و معالی یمین الدوله بنوازشهای ملوکانه امتیاز یافت و عنایت خلعت زرین و انعام فیل گزین چندوله نام با یراق طلا و ماده فیل ضمیمه دیگر عواطف گردید. . . .»

مؤلف بادشاهنامه برگزاری همه ساله جشن نوروز را در دربار شاهجهان در کتابش شرح داده و مطالب طولانی در این مورد مرقوم داشته است. مطابق نگارش او در هشتمین سال جلوس شاهجهان که برابر با سال ۱۰۴۶ هـ - بود عید فطر مصادف با نوروز گردید و در آن موقع دربار بمنتهی درجه تزیین گشت، خیمه‌های زربفت و مخمل در مقابل دیوان عام و دیوان خاص در قلعه دهلی زدند در بین آنها یک خیمه بوسیله صنعتکاران گجرات با هزینه صد هزار روپیه تهیه و نصب گردید، ستونهای خیمه را باطلا و نقره ساختند فرش هم کارهای طلائی داشت در نزدیکی تخت گامشامیانه زرنگاری بود که در آن مرواریدهای قیمتی آویخته بودند ستونهای شامیانه هم طلائی بودند چتر مرصع که در آن دیده میشد غلاف مرواریدی داشت درود یوارها با نقره باف گجراتی، زربفت عراقی، دیبای رومی و چینی و پرده‌های فرنگی مزین بودند و در بین اینها تخت طاووس گذاشته شده بود تفصیلات زیادی درباره این جشن نوروز که با عید فطر همراه بود در کتاب مزبور داده شده است و از این نگارشات بخوبی پیداست که جشن نوروز در زمان شاهجهان با شکوه و عظمت خاصی بر گزار میشده است.

محمد صالح کنبولاهوری در تألیفش «عمل صالح» چاپ کلکته جلد اول صفحه ۲۸۲/۴ زیر عنوان سرآغاز نوروز و سر سال اول جلوس مبارک (شاهجهان) مطالب زیر را نگاشته است :

« سرمایه ده انوار ذرات کائنات و پیرایه بخش حیات اموات عالم نبات نه کهری و سی و شش دقیقه از روز دوشنبه سیزدهم رجب سنه هزار و سی و هفت

هجری سپری گشته تشریف تحویل اشرف ازکاشانه حوت بطرف خانه حمل
 مبذول داشته بجهت ادای مراسم شادی و مبارکباد سال اول جلوس اقدس
 خود بنفس نفیس همت براهتمام آذین جشن نوروزی گماشت و بام و در هفت
 کشور را در پرند زربافت نور گرفته آرایش فضای باغ و بستان و تزیین
 صفحه زمین و زمان را به سبزکاری قوای ناهیه تفویض نمود. حسب الامر
 قره‌الین نیراعظم چشم و چراغ دودمان صاحبقران معظم صحن خاص و عام
 دارالخلافة اکبر آباد از آذین جشن نوروزی سرمایه آرایش روزگار و
 پیرایش تزیین لیل و نهار آمد و بارگاه دلبادل که همانا نسخه فلک اطلس
 است و بسعی و تلاش سه هزار فراش چابکدست ترفع آن با ضم هزار گونه
 جرثقیل و نصب صدمنصوبه و حیل دست بهم میدهد برپای شد. و در سایه آن
 خرگاه‌های عالی که مشبکهای سیم ناب در شبکهای آن بجای چوب بکاررفته
 بود ایستاده کرده آنرا به پوششهای مخمل زربفت و زردوزی آراستند. و جا
 بجای چترهای مرصع بجواهر گرانمایه و مزین به سلسله‌های لآلی آبدار و
 علاقه‌های در شاهوار برافراخته روکش قبه فلک ثوابت و مرسله هجره خوشهای
 عقد ثریا و نثره ساختند و چندین جا تخت‌های مرصع و سریرهای زرین گذاشته
 زمین بارگاه فلک اشتباه را به بساطهای مصور و رنگارنگ روپوش نموده
 غیرت نگارخانه چین گردانیدند. و در و دیوار انجمن همایون را بانواع
 اقمشه هر دیار پیراسته نمودار بارگاه بوقلمون بروی کار آوردند - خدیو
 عالم درین روز سعادت اندوز که عید امید روزگار بود مانند خورشید
 جهان آرا از مشرق جهر و کوه والا (دریچه‌ای در دیوار قلعه که پادشاه در آن
 جهت دیدار عوام می‌نشست) طلوع نموده زبان بحمد و سپاس یگانه دادار و
 دست بخشش و بخشایش بر گشودند. اول بخان عظیم‌الشان آصف خان خلعت
 گرانمایه و فیل خاصه با یراق و ماده فیل باپوشش مخمل زربفت مرحمت
 نمود، لشکرخان را بصاحب صوبگی کابل و مرحمت خلعت خاصه سرافراز

فرمودند و فوجی آراسته از سادات بارهه و مغول و افغان از بندهای پادشاهی که عددشان با تعیناتیان کابل به پانزده هزار سوار میکشید به همراهی اوتعیین گشتند...

محیی‌الدین اورنگ‌زیب جانشین شاه جهان شد او مردی مقتصد و مسلمان متعصبی بود و در زمان حکومت وی برگزاری جشن نوروز از طرف دربار دهلی منسوخ گردید ولی پس از او باز هم سلاطین دهلی این جشن را بر گزار میکردند و حتی آخرین پادشاه بابری بنام بهادر شاه ظفر که بدست انگلیسیها حکومتش فقط بقلعه دهلی محدود شده بود در انعقاد جشن نوروز اهتمام خاصی داشت و این موضوع از بعضی از قصاید اردوی شیخ ابراهیم ذوق بخوبی پیداست.

در نتیجه اهمیت فراوانی که قرن‌ها از طرف پادشاهان و درباریان مسلمان در هندوستان به نوروز داده میشد آن در زندگی عموم مردم مسلمان آن سرزمین نفوذ قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و در بین توده مردم علاقه خاصی نسبت به جشن نوروز بوجود آمد بویژه شیعیان آن دیارها که در عقاید دینی تابع علمای ایران بوده بحکم بستگی‌های دینی و ملی با اهالی این کشور هم مرام و همگام‌اند گرفتن عید نوروز را جزو فرایض مذهبی و سنن ملی محسوب داشته‌اند مرحوم علامه محمد حسن نجفی در مقاله نهم خود که در مورد نوروز نگاشته و بسال ۱۳۵۹ هـ - در بمبئی چاپ گردیده است مینویسد :

« اقوام مختلفه شیعه اثنی عشری امروزه از ایرانی و عرب و ترك و هندی و سندی و تبتی و کشمیری و غیره نوروز شناس‌اند و همه آنان با يك عاطفه دینی آن روز بزرگ را گرامی دارند و آثار نوروزی و وظایف مذهبی را در

آن بجا آورند . . . شیعیان هندوستان نیز نوروز را گرامی دارند و آن عید را بزرگ شمارند و مخصوصاً در لکهنئو و غیره خوشنودیها کنند و وظایف نوروزی خود را بجا آورند نسبت به بزرگی نوروز و تاریخ اجتماعی آن بزبانهای مختلف اوراقها نوشته و خدمتها باین روز باستانی نموده اند».

در پاکستان جشن نوروز که مصادف با ۲۱ الی ۲۳ مارس میباشد معمولاً سه روز بطول می انجامد در خلال این مدت شیعیان اثنی عشری معتقدند به اینکه نوروز روز اعلام خلافت بلا فصل امیر مؤمنان علی علیه السلام است لباسهای نوپا کیزه دربر و بساط دعوت و شادی پهن می کنند اوراد و اذکار و دعاهاى مربوط و سایر آداب را در آن روز و در هنگام تحویل آفتاب به برج حمل که هر سال در تقویمهای اردو چاپ میشود بجای می آورند و بیکدیگر این عید را تبریک میگویند نمازی که در روز نوروز وارد گردیده میخوانند در منازل و جاهای اجتماع آنان چراغانی و تزئینات جالبی صورت میگیرد و در آن محافل قصیده خوانی برپا میشود. در اینگونه محافل قصایدی در منقبت مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع) خوانده میشود. سفره نوروز هم عدهای تهیه مینمایند که شامل هفت نوع سبزی و هفت رقم میوه های تازه و هفت جنس از آجیل همراه تخم مرغهای رنگارنگ و بادبزنهاى دستی میباشد.

عید نوروز در بین شیعیان شبه قاره بدون مراسم دیگر آن که در ایران رواج دارد مانند چهارشنبه سوری و خانه تکانی و سیزده بدر و امثال اینها بر گزار میشود و بیشتر جنبه دینی و مذهبی بخود گرفته است بهمین جهت آن توأم با نیایش و عبادت و نماز و نیاز است. اعتقاد عموم مردم در آنجا بر اینست که در لحظه تحویل خورشید در اجابت دعا بازو ادعیه قبول و مرادها بر آورده میشود از اینرو هنگام تحویل آفتاب مراد خواهان دور هم گرد می آیند

و در مقابل چشمان همگی تنگه‌ای پر از آب که سوراخ باریکی در ته آن وجود دارد بوسیله طنابی می‌آویزند همه حاضران چشم بدان تنگه می‌دوزند و با نهایت اشتیاق منتظر فرارسیدن لحظه تحویل آفتاب مینشینند همینکه حس میکنند جریان قطرات آب از سوراخ کمی متوقف شد با شعف عجیبی ادعیه و مرادهایی که در سینه محبوس نگاه میدارند بالبهای لرزان رها می‌سازند.

در تعدادی از خانواده‌ها مرسوم است که در موقع تحویل خورشید تمام افراد فامیل دور هم جمع میشوند در وسطشان کاسه‌ای پر از آب روی سینی بزرگی قرار می‌گیرد. در آب عطر و گل‌های محمدی و گلاب میریزند و بزرگ خانواده: «یا ذوالجلال و الاکرام یا مدبر اللیل والنهار یا ملقب- القلوب والابصار حول حالنا الی احسن الحال» بر زبان می‌آورد و سایرین در خواندن این فقرات از او پیروی میکنند و این عمل ۳۶۵ بار تکرار میشود و پس از خواندن او را شخص مزبور در رود گویان آب کاسه را بوسیله انگشتان دست بر روی همه افراد موجود می‌پاشد و بقیه آب را در گوشه‌ای از حیاط میریزد و این تشریفات نزد همه علاقمندان به نوروز سرچشمه یمن و سعادت محسوب میگردد.

شیعیان لکهنو که بپاکستان مهاجرت نموده‌اند در روزهای نوروز ابتکاری را بخرج داده و آب رنگارنگ را بوسیله نلمبه‌های کوچک و ظریف روی لباسهای یکدیگر می‌پاشند و از این بازی چنان لذت مفرطی میبرند که گوئی مقصد حقیقی‌شان را یافته‌اند.

در خود لکهنو که یکی از مراکز مهم شیعیان هندوستان بشمار میرفت هنوز هم اهتمام خاصی در مورد گرفتن جشن نوروز بکار برده میشود و جوش

و جنب زایدالوصفی در بین شیعیان آن دیار در نوروز بچشم میخورد بطوری-
که این جشن را باید از اعیاد بزرگ دینی آن قلمداد نمود.

وزیر محمد اشرف خان متخلص به اشرف در آغاز اثر خود بنام «ارمغان گلگت» که سال ۱۹۵۷م در لاهور چاپ شد مینویسد که در نواحی گلگت در شمال کشمیر بر گزاری جشن نوروز همراه با پرنامه‌های آتش بازی و تیراندازی و چوگان بازی مییاشد.

برنامه‌های جشن نوروز در نواحی شمال غربی پاکستان باختاری که از چندین حیث بایران نزدیکتر است بسیار جالب و توأم با جریانات خاصی مییاشد. در آنجا علاوه بر پوشیدن لباس نو و تبریک گفتن بیکدیگر پس از تحویل خورشید و ترتیب یافتن مجالس قصیده و شعر ضیافتگاهی نیز بمناسبت جشن مزبور در منازل صورت میگیرد و در آن سفره امیرالمؤمنین که شامل هفت نوع میوه خشک و سبزیجات و یکنوع بیسکویت بنام «کلوچه نوروزی» و پلو با گوشت مرغ سفید و تخم مرغهای رنگ زده مییاشد گسترده میشود. مرغ سفید هر قدر هم که ناپیدا باشد فراهم میکنند زیرا که تهیه پلو با گوشت مرغ سفید را شگون نیک میدانند.

کلوچه نوروزی در بین مردم پشاور محبوبیت خاصی دارد و حتی افراد غیر شیعه نیز بآن علاقه زیادی دارند.

پس از «فاتحه» (نیاز) امیرالمؤمنین مردان و زنان شیعه در آن نواحی از خانه بیرون میروند و مدتی در باغها و چمنزارها بگردش میپردازند و کوشش میکنند برهنه پا بر سر سبزه و چمن قدم بزنند و این عمل را «سبزه لگد کردن» مینامند. بدین ترتیب تمام روز را با خوشحالی و شادکامی بسر میبرند و عید نوروز یکی از اعیاد جالب مرز نشینان پاکستان غربی بشمار میرود.

در ناحیه پاران (پاکستان غربی) در روز نوروز زنان باتفنگ از خانه بیرون می‌روند و در مرغزارها و لب رودخانه‌ها بشکار می‌پردازند و مردها نیز در جاهای وسیع مبادرت به نمایش بازیهای مختلفی می‌ورزند. ناگفته نماند ایرانیان و زردشتیان مقیم پاکستان و هند که در تعداد قابل توجهی در نقاط مختلف آن دو کشور سکونت دارند عید نوروز باستانی را با کلیه ترتیبات و مراسم آن که در ایران معمول است برگزار میکنند و جشن نوروز آنان با جشن نوروز ایرانیان در ایران فرقی ندارد.

